درس‌هایی از نهج‌البلاغه

قسمت ششم

جامعه سالم؛ حق مردم

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد نظافت یزدی
عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان

همان‌طور که در قسمت‌های قبلی گفتیم و درباره نامه ۵۳ حضرت امیرالمؤمنین، علی(ع) صحبت کردیم، ایشان در ابتدای نامه چهار مأموریت اساسی و کلان برای مالک بیان می‌کنند: «**بِسْمِ ا... الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ. هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُا... عَلِیٌّ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ مَالِکَ بْنَ الْحَارِثِ الْأَشْتَرَ فِی عَهْدِهِ إِلَیْهِ حِینَ وَلَّاهُ مِصْرَ جِبَایَهَ خَرَاجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَه بِلَادِهَا**»؛ اول، توجه به توان مالی و جمع‌آوری مالیات بود. دوم، اینکه فرمودند «**جِهَادَ عَدُوِّهَا**»، یک مأموریت کلان شما مبارزه با دشمنان مصر است. سوم، حضرت می‌فرمایند به‌دنبال این باش که مردم مصر انسان‌های صالحی باشند، انسان‌های شایسته‌ای باشند. امیرالمؤمنین(ع) یکی از مأموریت‌های اساسی حکومت اسلامی را تربیت و مسائل فرهنگی می‌دانند. در تأیید این برداشت عرض کنم که در قسمتی از خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه حضرت می‌فرمایند: «**أَیّها النّاس! إنّ لی علیکم حقاً، و لکم علیّ حقّ. فأمّا حقّکم علیّ: فالنّصیحه لکم، و توفیر فیئکم، علیکم، و تعلیمکم کیلا تجهلوا، و تأدیبکم کیما تعلموا. و أمّا حقّی علیکم: فالوفاء بالبیعه، و النّصیحه فی المشهد و المغیب، و الإجابه حین أدعوکم و الطّاعه حین آمرکم**؛ ای مردم! مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی: اما حق شما بر من (نخست) این است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را در راه شما به‌طور کامل به کار گیرم و شما را تعلیم کنم تا از جهل و نادانی رهایی یابید و شما را تربیت کنم تا فراگیرید و آگاه شوید و اما حق من بر شما، این است که در بیعت خویش وفادار باشید و در آشکار و نهان، خیرخواهی را (در حق من) به‌جا آورید و هروقت شما را بخوانم، اجابت کنید و هر زمان به شما فرمان دهم، اطاعت کنید.»

ای مردم شما بر گردن من علی(ع) حق دارید، من نیز بر شما حق دارم؛ ایشان اول اظهار می‌کنند به حقوق مردم و درباره حقوق مردم می‌گویند حق شما این است که من خیرخواه شما باشم، مراقب بیت‌المال شما باشم. بعد می‌فرمایند حق شما این است که من به فکر آگاهی شما باشم. آموزش و آگاهی و تعلیم، حق مردم بر حکومت است. حکومت باید آگاهی‌های مردم را در زمینه‌های مختلف افزایش دهد.

بعد می‌فرمایند: «تأدیبکم کیما تعلموا»؛ در کنار تعلیم، بحث تأدیب مطرح می‌شود که یک بحث تربیتی است. درحقیقت همچنان که حق فرزند بر پدر، تعلیم و تأدیب است، حاکم جامعه اسلامی نیز مانند پدر است در همین نهج‌البلاغه‌ای که امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «**مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلی والِدِهِ ثَلاثَه: یُحْسِنُ اسمَهُ وَ یُعَلِّمُهُ الْکِتابَه وَ یُزَوِّجُهُ اِذا بَلَغَ**؛ حق فرزند بر پدرش سه چیز است:

۱ـ نام نیکو برای او انتخاب کند.
۲ـ به او نوشتن بیاموزد.
۳ـ هنگامی که بالغ شد، او را همسر دهد» (مکارم‌الاخلاق، ص۲۲۰).

پدر بر فرزند سه حق دارد: انتخاب اسم نیکو، تعلیم قرآن و ادب. این موارد حق فرزند است؛ اینکه پدر ادب را نیکو به او آموزش دهد. تربیت بسیار اهمیت دارد. گاهی افراد آگاهی و اطلاعاتی دارند ولی فقط به‌منظور کسب مدارک و گرفتن نمره مناسب است.

ولی تربیت آن است که حرف‌های خوب ریشه بگیرند در جان‌ها و دل‌ها بنشینند و فرزند ما و آحاد جامعه اعتقاد به آموزه‌ها پیدا کنند به آنچه در ذهنشان است. در این صورت است که جامعه و همه افراد با روان و اذهان سالم و درست به سمت مقاصد اعلی حرکت می‌کنند.

و السلام علیکم و رحمه‌ا... و برکاته.

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

اشارت

امواج بلا را با دعا پس بزنید

طیبه اشرفی| اغلب ما از اتفاقات بد و ناگوار در ترس و دلهره هستیم و دنبال راهی می‌گردیم که آن را از خودمان دور کنیم. درحالی‌که روایات و سیره اهل‌بیت(ع) چاره کار را به ما آموخته‌اند.

امام علی(ع) می‌فرمایند: «امواج بلا را با دعا پس بزنید؛ بلادیده‌ای که بلا جانش را به لب رسانده است، نیازش به دعا بیشتر از عافیت چشیده‌ای نیست که از بلا در امان نیست».

(بحارالأنوار: ۳۷/۳۰۱/۹۳)

مولای متقیان(ع) همچنین فرموده‌اند: «همانا خداوند سبحان را خشم‌ها و کیفرهایی است، پس هرگاه بر شما فرود آمدند، آن‌ها را با دعا دور سازید؛ چراکه بلا را چیزی جز دعا دور نمی‌کند».

(غررالحکم: ۳۵۱۲)

امام صادق(ع) نیز در تأثیر رد بلا از طریق دعا فرموده‌اند: «هرکه نگران رسیدن بلایی به خود باشد و پیش از رسیدن بلا دعا کند، خداوند عزوجل هرگز آن بلا را به او نرساند».

(مکارم‌الأخلاق: ۱۹۹۲/۱۰/۲)

و از امام کاظم(ع) است که فرمودند: «همانا دعا به مقابله بلا می‌رود و تا روز قیامت در برابر هم می‌ایستند».

(بحارالأنوار: ۳۵/۳۰۰/۹۳)

حضرت امام صادق(ع) با تأکید بر دعا برای جلوگیری از بلا، می‌فرمایند: «کسی که در دعاکردن پیش‌دستی کند (همیشه دعا کند نه فقط موقع بلا و گرفتاری)، هرگاه بلا بر او نازل شود، دعایش اجابت شود و فرشتگان گویند: صدایی آشناست و از آسمان (درگاه خدا) پوشیده نمانَد. اما کسی که در دعا کردن پیش‌دستی نکند، چون بلا به او رسد، دعایش مستجاب نشود و فرشتگان گویند: ما این صدا را نمی‌شناسیم».

(الکافی: ۱/۴۷۲/۲)

ایشان همچنین می‌فرمایند: «خداوند متعال به داوود(ع) وحی فرمود که: در زمان آسایشت به یاد من باش تا من هنگام گرفتاری‌ات، دعای تو را اجابت کنم».

(مکارم‌الأخلاق: ۱۹۹۱/۱۰/۲)

و از پیامبر خدا(ص) است که فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی هرگاه پیامبری را می‌فرستاد، به او می‌فرمود: «هرگاه امر ناخوشایندی تو را اندوهگین ساخت، مرا بخوان تا پاسخت را بدهم». خداوند این [نعمت] را به امت من نیز ارزانی داشته است؛ آنجا که می‌فرماید: مرا بخوانید تا شما را پاسخ گویم».

(قرب‌الإسناد: ۲۷۷/۸۴)

روایات همچنین به دعا کردن برای هر حاجتی هرقدر کوچک و بی‌ارزش سفارش می‌کنند. امام صادق(ع) در این‌باره می‌فرمایند: «بر شما باد به دعا کردن؛ زیرا با هیچ چیز به مانند دعا، به خدا نزدیک نمی‌شوید. دعا کردن برای هیچ امر کوچکی را، به‌خاطر ناچیز بودنش، رها نکنید؛ زیرا حاجت‌های کوچک نیز به دست همان کسی است که حاجت‌های بزرگ به دست اوست».

(مکارم‌الأخلاق: ۲۲۷۵/۹۷/۲)

بررسی جایگاه همسایه و همسایه‌داری در آموزه‌های دینی

با همسایه خوش‌رفتار باشیم

گزارش

آمنه مستقیمی| اسلام در کنار تقسیم روابط انسان به چهار محور کلی رابطه با خدا، طبیعت، خود و دیگران برای هریک از محورها نیز زیرمجموعه‌هایی در نظر دارد و انسان را برای سعادت در زندگی به رعایت حدود و بایدهای آن توصیه می‌کند؛ مثل سفارشی که درباره همسایگان دارد و همسایه‌داری را عامل آبادی شهرها معرفی می‌کند. در ادامه به بررسی آیات و روایات در مورد همسایه‌داری می‌پردازیم.

توصیه قرآن درباره احسان به همسایه

دین اسلام، به‌عنوان برنامه جامع و کامل سعادت بشر در دنیا و آخرت، جنبه‌ها و نیازمندی‌های فردی و اجتماعی، جسمی و روحی انسان را در نظر گرفته است و برای روابط او در عرصه‌های مختلف، برنامه ارائه می‌کند؛ مثل همسایه‌داری که برای آن رهنمودهای مؤثری را بیان کرده است. قرآن با اشاره به حقوق اسلامی مسلمانان در قبال یکدیگر، نیکی به چند گروه ازجمله همسایگان را به بندگان سفارش می‌کند و می‌فرماید: «وَ الْجارِ ذِی الْقُرْبی وَ الْجارِ الْجُنُبِ؛ و به همسایه نزدیک و همسایه دور احسان کن».

(نساء: ۳۶)

حد همسایگی

علاوه‌بر آیات قرآن، انبیای الهی عموما و پیامبر اکرم(ص) خصوصا، بر اهمیت و ضرورت رعایت حقوق همسایگی تأکید بسیار کرده‌اند و درباره معاشرت نیکو با همسایه، احادیث بسیار بیان فرموده‌اند. در حدیثی از امام صادق(ع) روایت شده است که رسول خدا(ص) حد همسایگی را تا چهل خانه بیان کردند و فرمودند: «تا چهل خانه، خانه‌های پیش‌رو، پشت‌سر و سمت راست و چپ، همسایه فرد به حساب می‌آیند».

(اصول کافی، ج۲، ص۶۶۹)

پیش از خرید خانه، از همسایه بپرسید

بنا بر آنچه از آموزه‌های دینی‌روایی به دست می‌آید، حسن همجواری صرفا یک اصطلاح سیاسی در ارتباط میان کشورها نیست، بلکه میان اهل یک محله یا در روابط دو همسایه نیز مطرح است. داشتن بهترین خانه اما با همسایه‌ای بد و ناهنجار و مردم‌آزار، مفتش هم گران است. توجه به همسایه در خریدن و ساختن خانه، مغازه و محل کار، نشانه خردمندی است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین(ع) در نامه‌ای به فرزندشان، امام حسن مجتبی(ع) می‌فرمایند: «پیش از سفر، از همسفر بپرس و پیش از خانه، از همسایه».

(نهج‌البلاغه، نامه۳۱)

خدا از همسایه می‌پرسد

بنا بر تصریح آموزه‌های دینی‌روایی، رعایت و ادای حقوق همسایه در اسلام، اهمیت بسیار دارد؛ چنان‌که امیرالمؤمنین(ع) در این‌باره و در وصیت به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: «بر شما باد که درباره همسایگان فراموش نکنید؛ زیرا رسول خدا(ص) همواره درباره آنان سفارش می‌فرمود؛ آن چنان که ما گمان می‌بردیم همسایه از همسایه ارث می‌برد» (نهج‌البلاغه، نامه۴۷). امام رضا(ع) نیز بر خوش‌رفتاری با همسایگان تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «با همسایگانت خوش‌همسایگی کن؛ زیرا خدای تعالی درباره همسایه از تو خواهد پرسید».

(مستدرک‌الوسائل، ج۸، ص۴۲۶-۴۲۷)

شرافت خانه

مولای متقیان(ع) همچنین، در تبیین اهمیت و نقش همسایگان در خوشبختی یا بدبختی انسان می‌فرمایند: «خانه را شرافتی است؛ شرافت خانه به وسعت حیاط قسمت جلوی خانه و هم‌نشینان خوب است و خانه را برکتی است؛ برکت خانه به جایگاه خوب آن، وسعت محوطه آن و همسایگان خوب آن است» (مکارم‌الاخلاق، ص۱۲۵). یعنی همسایه خوب می‌تواند باعث آرامش خاطر و حال خوب شود و درمقابل همسایه بد، می‌تواند دنیا را بر آدمی تنگ کند و نشاط و آرامش را از او بگیرد.

حقوق همسایه

نقل است که پیامبر(ص) به اصحاب و یاران خود درباره حقوق همسایه فرمودند: «حق همسایه بر دیگر همسایگان آن است که اگر بیمار شد، به عیادتش بروی و اگر از دنیا رفت، در تشییع جنازه‌اش حاضر شوی و اگر از تو وام خواست، به او قرض بدهی؛ در شادی‌هایش تهنیتش گویی و به وقت سوگ و مصیبت، تسلیت و تعزیتش گویی؛ ساختمانت را از ساختمان او بلندتر نسازی که جریان باد را بر او ببندی؛ چون میوه‌ای خریدی [مقداری از آن را] به او هدیه کنی و اگر هدیه نکردی، مخفیانه به داخل خانه ببری و میوه را به دست فرزندت ندهی که با نشان دادن به کودک همسایه ناراحتش کند؛ با بوی غذایت، همسایه خویش را آزار ندهی؛ مگر آنکه مقداری از آن غذا را برای او هم بفرستی».

(المستدرک‌الوسائل، ج۸، ص۴۲۷)

آبادانی شهرها با همسایه‌داری

بنابر آنچه مرور شد، روابط پیوسته و مداوم همسایگان اگر به صورت شایسته و مناسب و با رعایت حقوق و بایسته‌های همسایگی همراه باشد، می‌تواند با نزدیک کردن دل‌ها و ایجاد انس و الفت، زندگی آرام و بانشاطی را برای فرد و جامعه رقم بزند؛ برای همین رسول خدا(ص) خوب همسایه‌داری کردن را سبب آبادانی شهرها و درازی عمرها معرفی کرده‌اند. امروز هم که فرهنگ آپارتمان‌نشینی غلبه کرده است و ما با همسایه‌های متعدد در یک ساختمان زندگی می‌کنیم، با رعایت همین آموزه‌های آسان اما کاربردی می‌توانیم آبادی و سعادت را تجربه کنیم.

روشنا

وَ قالَ عَلِیُّ بنُ مُوسی(ع):
عَوْنُکَ لِلضَّعیفِ مِنْ أَفْضَلِ الصَّدَقَةِ.

امام رضا(ع):
از بهترین نوع صدقه، یاری کردن ناتوان است. (تحف العقول، ص ۴۴۶).

شنیدنی

قصص قرآنی موسی ۱۶

موسی و سامری در اعماق وجود ما هم هست

سمانه رضوانی| ما هم درونمان موسایی داریم که رسالتش هدایت ما به‌سوی خداست و سامری‌ای که ما را از بیراه ببرد. درون ما هم وقت‌هایی است که سامری از زیورهای دنیا گوساله‌ای می‌سازد که بت می‌شود. وقت تنبیه نفس است و اگر نفس را نکشیم، باز هوس بت دیگری می‌کند و بت دیگر و... راه راست را گم می‌کند و دیگر صدای موسای درون را نمی‌شنود.

پرستیدن؟ موسی بازگشت و صحنه‌ای را دید که او را آشفته کرد. مردمش را دید که گوساله‌ای طلایی می‌پرستیدند؛ «وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره: ۵۱).

گوساله‌پرستی مردم بعد از آن چهل روز که موسی با خدا وعده داشت، ظلم بزرگی بود. از ظلمشان پشیمان شدند و توبه کردند. خدا هم آن‌ها را بخشید.

خدا می‌گوید ظلم کردند چون از روی ندانستن نبود؛ از روی جهل نبود. معجزه دیده بودند، خدا حجت را بر آن‌ها تمام کرده بود و ایمان آورده بودند، و بعد از آن دوباره کافر شدند. «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره: ۵۲).

قبول توبه آن‌ها شرط داشت. انحراف سنگینی بود و تنبیه سنگینی هم داشت و باید عبرتی می‌شد برای همه، چه قوم موسی، چه نسل‌های آینده... شرطی که انجامش کار هر کسی نبود. موسی گفت: یکدیگر را بکشید تا توبه شما پذیرفته شود؛ «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۵۳).

باید شمشیر به دست می‌گرفتند و حکم خدا را اجرا می‌کردند.

فردای آن روز، ۷۰ هزار نفر که گوساله پرستیده بودند، در بیت‌المقدس جمع شدند. وقتی نماز آن‌ها و موسی تمام شد، موسی به منبر رفت و مردم به جان هم افتادند. تا آنکه جبرئیل نازل شد و گفت: به ایشان فرمان بده دست از کشتن بردارند، که خدا توبه را پذیرفت. و چون دست برداشتند، دیدند ۱۰ هزار نفرشان کشته شده‌اند.

(تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج۱، ص۲۸۸ و ۲۸۹).

احکام

حکم دروغ اجباری

پرسش:
می‌خواستم بپرسم اگر مثلا صاحب‌کار بگوید «اگر کسی پرسید، بگو من نیستم یا یک جنس بد را باارزش و خوب جلوه بده» تکلیف من چیست؟ اگر این کار را انجام ندهم، با برخورد و حتی اخراج روبه‌رو می‌شوم و این در صورتی است که به کار نیازمندم. (من تصمیم گرفته‌ام که دروغ‌گویی را ترک کنم.)

پاسخ اجمالی
بر فرض سؤال، دروغ‌گفتن جایز نیست، حتی اگر به اخراج شخص منجر شود. البته در بعضی موارد می‌توان با توریه‌کردن از گفتن دروغ خودداری کرد؛ مثل اینکه درباره گفتن جمله «او نیست» نیت کنید که او در کنار دست شما نیست.

آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای
در هر صورت دروغ جایز نیست.

آیت‌ا... العظمی سیستانی
دروغ حرام است.

آیت‌ا... العظمی مکارم‌شیرازی
درباره گفتن این جمله که «او نیست» می‌توانید نیت کنید که او در کنار دست شما نیست و درباره جلوه‌دادن جنس بد، تا ممکن است این کار را انجام ندهید و اگر بتوانید شغل دیگری انتخاب کنید، بسیار بجاست.

آیت‌ا... العظمی صافی‌گلپایگانی
دروغ‌گفتن جایز نیست، حتی اگر منجر به اخراج شخص شود، ولی در بعضی موارد می‌توان توریه نمود که مطلب را به‌صورتی بگوید که دروغ نشود.

آیت‌ا... العظمی نوری‌همدانی
دروغ حرام است و باید ترک شود.